

## مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه های اقتصاد اسلامی

نویسنده: سید مهدی معلمی<sup>۱</sup>

تاریخ: ۱۳۹۱/۲/۱۹

### چکیده

در سال گذشته مفهوم اقتصاد مقاومتی در واکنش به فشارهای اقتصادی و تحریمهای اقتصادی کشورمان، مطرح شد. . مقام معظم رهبری نیز ضرورت ایجاد «اقتصاد مقاومتی» در کشور را تأکید فرمودند. با توجه به اینکه حرکت عظیم ملت ایران در انقلاب اسلامی وارد مرحله دولت سازی شده است، ارائه چارچوبها و اصول اقتصاد مقاومتی بر اساس آموزه های دین مبین اسلام، ضروری می نماید.

از نظر مفهومی الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می کند به گونه ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکا بر نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفاء کند.

اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی عبارتند از اصل وجود روابط اقتصادی با خارج از کشور و التزام به قراردادهای و پیمانها، اصل برخورد محتاطانه با غیر مسلمانان، اصل عزت مداری و نفی سبیل، اصل حمایت از مظلومین، اصل استقامت در راه آرمانهای الهی و اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق.

اصول اقتصاد مقاومتی همواره و در تمامی مراحل باید مورد لحاظ باشد و تعارض هریک از استراتژی ها، تاکتیکها و یا دیگر اجزاء برنامه با اصل، موجب حذف آن خواهد شد.

اگر در مقام اجراء اصول، خود آنها در تراحم با یکدیگر باشند. وظیفه حکومت اسلامی در چنین مواردی اینست که با ملاحظه درجه اهمیت هر اصل، اهم را بر مهم ترجیح دهد.

---

<sup>۱</sup> دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری قرآن و علوم

در میان اصول اقتصاد مقاومتی اصل عزت مداری و نفی سبیل بر سایر اصول ترجیح دارد. پس از آن اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق و اصل حمایت از مظلومین به خاطر ماهیت عدالت محوری و عدالت گستری آنها، در رتبه های بعدی اولویت قرار دارند. اصول برخورد محتاطانه و استقامت در راه آرمانهای الهی در راستای تحقق اصول پیش گفته هستند.

## مقدمه

در سال گذشته مفهوم اقتصاد مقاومتی در واکنش به فشارهای اقتصادی و تحریمهای اقتصادی کشورمان، مطرح شد. در سالهای اخیر دشمن نشان داده که هر چه را در توان دارد، برای مقابله با ملت ایران هزینه می‌کند و از هیچ کوششی علیه مردم کشورمان فروگذار نمی‌کند. مقام معظم رهبری با اشاره به این مطلب ضرورت ایجاد «اقتصاد مقاومتی» در کشور را تأکید فرمودند. پس از این فضایی که رهبری معزز و معظم انقلاب برای اندیشمندان و کارگزاران نظام باز کردند، شاهد نوشته‌ها و سخنان بسیاری در فضای فکری جامعه بودیم. متأسفانه برخی افراد به جای شناسایی الزامات و راهکارهای واقعی موفقیت در آن فضا و کمک به یکدیگر برای تبیین و عملیاتی کردن آن، تلاش کردند محتوایی وارداتی را در قالبی با نام مشابه آن ارائه کنند و مفهومی شبیه اقتصاد درونزا یا منزوی ارائه نمایند.

با توجه به اینکه حرکت عظیم ملت ایران در انقلاب اسلامی وارد مرحله دولت سازی شده است، ارائه چارچوبها و اصول اقتصاد مقاومتی بر اساس آموزه های دین مبین اسلام، ضروری می نماید. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به سه پرسش اساسی زیر است:

۱) مفهوم اقتصاد مقاومتی چیست و چه تفاوتی با مفاهیم خود کفائی و استقلال اقتصادی دارد؟

۲) اصول و چارچوبهای اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی کدامند؟

۳) در صورت تراحم و تقابل این اصول با یکدیگر، نظام اسلامی با چه اولویتهای عملی نماید؟

## مفهوم اقتصاد مقاومتی در مقایسه با مفاهیم استقلال و خود کفائی

مفهوم اقتصاد مقاومتی در واکنش به فشارهای اقتصادی و تحریمهای اقتصادی کشورمان، مطرح شد. اگر چه بین این مفهوم و مفاهیم استقلال اقتصادی و خود کفائی مشترکاتی وجود دارد لیکن با دقت در شرایط اجتماعی و سیاسی دوره وضع این اصطلاح، مفهومی متفاوت از آن فهمیده می شود. توضیح اینکه مفاهیم استقلال اقتصادی و خود کفائی تنها ناظر به نیازمندیهای داخلی اقتصاد و راهبردهای و راهکارهای پاسخ به آنها است. مقصود از استقلال و خود کفایی این است که جامعه بتواند نیازمندیهای خود را در حد بالایی از رفاه تولید کند و ناگزیر به وارد کردن کالا از خارج نباشد. اگر چه مفهوم اقتصاد مقاومتی در شرائطی مطرح شده است که به خاطر تحریمهای اقتصادی مسئله کارآفرینی و تولید ملی و خود کفائی در آن پر رنگ شده است اما از سوی دیگر از سوی مقام معظم رهبری عنوان می شود که شرائط فعلی کشورمان، شرائط شعب ابی طالب نیست بلکه شرائط بدر و خیبر است. در سال دوم هجری پیامبر اکرم (ص) در مقابل غصب اموال مسلمانان توسط مشرکین مکه، گروههای نظامی را بر اساس قواعد و قوانین خاصی اعزام کردند تا کاروانهای تجاری مشرکین مکه و به خصوص قریش را تهدید کنند. در این میان اموال هیچ کاروان تجاری مصادره نشد به جز یک مورد که به خاطر خود سری فرمانده مسلمین، مورد عتاب قرار گرفت. هدف اساسی از اعزام این دسته‌ها و عقد پیمان‌های نظامی با قبیله‌هایی که در مسیر تجارت مکیان می‌زیستند؛ آگاه ساختن قریش از قدرت نظامی و نیرومندی مسلمانان بود. خصوصا هنگامی که خود پیامبر در آنها شرکت می‌کرد و با گروه انبوهی سر راه کاروان قریش توقف می‌نمود. رهبر عالی قدر اسلام می‌خواست به حکومت مکه بفهماند که کلیه خطوط بازرگانی شما در اختیار ما است و ما هر موقع بخواهیم می‌توانیم جلو بازرگانی شما را بگیریم. در نتیجه قریش دریافت شاهراه بازرگانی آنها در دست مسلمانان قرار گرفته است. اگر آنان در لجاجت خود باقی بمانند و از نشر و تبلیغ آیین اسلام جلوگیری کنند و مسلمانان محیط مکه را اذیت کنند، شریان‌های حیاتی آنان قطع خواهد شد. خلاصه، هدف این بود که قریش بیدار شوند و با در نظر گرفتن این مراتب به مسلمانان آزادی تبلیغ بدهند و راه را برای زیارت خانه خدا و ترویج آیین یکتاپرستی باز کنند تا اسلام با منطق نیرومند خود در قلب‌ها نفوذ کند و در پرتو آزادی، نور اسلام در تمام نقاط شبه جزیره و مرکز عربستان جلوه‌گر شود. همین استراتژی سبب بروز جنگ بدر شد. (آیت الله جعفر سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۴۵۹)

نتیجه اینکه الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می کند به گونه ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکا بر نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفاء کرده و زمینه ساز هدایت بشر است.

### اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی

منظور از اصل مفهومی است که بر خلاف تاکتیک و یا حتی استراتژی، امری گذرا نیست بلکه همواره و در تمامی مراحل باید مورد لحاظ باشد و تعارض هریک از استراتژی ها، تاکتیکها و یا دیگر اجزاء برنامه با اصل، موجب حذف آن خواهد شد. (سعید جلیلی، ص ۵۸)

اصل وجود روابط اقتصادی با خارج از کشور و التزام به قراردادهای و پیمانها

در روابط اقتصادی با سایر کشورها می توان از یک سو روابط مسلمانان را با یکدیگر، و از سوی دیگر روابط مسلمانان را با غیرمسلمانان ترسیم نمود.

برای ارتباط اقتصادی با کشورهای اسلامی، اسلام، اصل را بر برادری، هم گرایی و وحدت نهاد و منشور برادری را با این آیه شریفه اعلام نموده است:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰)

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس بین دو برادر خود صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت شوید(حجرات: ۱۰).

بر این اساس وظیفه حکومت اسلامی تلاش در جهت برقراری روابط و مناسبات برادرانه با سایر کشورهای اسلامی است.

در زمینه روابط با کشورهای غیراسلامی، در آموزه های اسلامی بستن قرارداد و برقراری روابط اقتصادی با کشورها خارجی غیر مسلمان و البته غیر محارب، با مراعات اصول و چارچوبهای شرعی مباح و مجاز است. این اصل در آیات متعددی از قرآن کریم مشاهده می شود.

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه: ۹ و ۸)

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است (ممتحنه: ۹ و ۸)

مطابق این آیات کریمه، ایجاد رابطه با غیرمسلمانان را مجاز شمرده می شود؛ مگر آنان که از در جنگ با مسلمین درآیند و قصد دین و ایمان آنان را کنند. اسلام پافشاری در ستیزه جویی را شایسته جامعه اسلامی نمی داند، و در جای جای قرآن تأکید می کند که در صورت مشاهده علائم صلح گرایی دشمن متخاصم، مسلمین نیز از در صلح در آیند و به مخاصمه پایان دهند. قرآن تصریح می کند:

وَ إِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انفال: ۶۱).

و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی، و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست (انفال: ۶۱).

در سیره پیامبر اکرم (ص) نیز مشاهده می شود که یکی از اصولی که مبنای رفتار پیامبر (ص) محسوب می شود، اصل التزام به پیمان ها و احترام به قرار داد ها حتی با مشرکین است. این اصل یکی از مهمترین اصول در روابط

اقتصادی با خارج از کشور و یک سیاست راهبردی بلند مدت در روابط اقتصادی خارجی اسلام محسوب می شود.

پیامبر اعظم (ص) در سیره و رفتار خویش به این اصل توجه جدی داشت و اهمیت فوق العاده قائل بود. افزون بر آن که از پیامبر گرامی (ص) در این رابطه احادیث متواتری نقل شده است که حضرت، مسلمانان را از لزوم پایبندی به پیمان ها و قراردادها آگاه می سازد (سید محمد موسوی، ص ۶۶)، سیره عملی پیامبر (ص) نیز به خوبی این مطلب را تأیید می نماید که یکی از برجسته ترین آن را می توان در جریان هجرت به مدینه مشاهده نمود. ایشان قبل از هجرت به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) وصیت نمودند که امانتهای اهل مکه را بدانها بازگرداند. امام علی (ع) نیز پس از مهاجرت رسول گرامی صلی الله علیه و آله، در نقطه بلندی از مکه ایستاد و گفت: هر کس پیش محمد امانت و سپرده ای دارد، بیاید از ما بگیرد. کسانی که پیش پیامبر امانت داشتند با دادن نشانه و علامت، امانت های خود را پس گرفتند. (آیت الله جعفر سبحانی، نرم افزار مسافر قبله، ص ۲۰۴)

#### اصل برخورد محتاطانه با غیر مسلمانان

بر اساس آموزه های اسلامی مسلمانان در مواجهه با غیر مسلمانان، همواره باید بدانند که با اعضای یک پیکره بیگانه مواجه اند و معنای اینکه نباید ولاء غیر مسلمان را داشته باشند این است که مسلمان نباید عملاً عضو پیکر جامعه غیر مسلمان قرار گیرد. همه اینها ایجاب میکند که روابط مسلمان با غیر مسلمان محتاطانه باشد. (شهید مرتضی مطهری، ص ۱۴۲)

قرآن کریم هشدار می دهد که مسلمانان نباید فریب ظاهر آنان و تظاهرشان به دوستی را خورده و دست مودت به سوی شان دراز کنند، و مسلمانان را از طرح اسرار با آنان به شدت بر حذر داشته، درون کینه توز دشمنان اسلام را برای مسلمانان بازگو کرده است و بر خیرخواه نبودن آنان تأکید می کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا

يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لُقُوا قَوْمًا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ إِنَّ تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (آل عمران: ۱۱۸ - ۱۲۰)

هان! ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان دوست همراز مگیرید که در حق شما از هیچ تباهی کوتاهی نمی‌کنند، به رنج افتادن شما را آرزو می‌کنند. دشمنی از [سخنان] دهانشان آشکار شده است و آن چه سینه‌هایشان پنهان می‌دارد، بزرگتر است. به راستی اگر اندیشه کنید ما آیات خود را بر شما بیان کردیم. آگاه باشید که شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست دارید ولی آن‌ها شما را دوست ندارند و شما به همه‌ی کتاب‌های آسمانی ایمان دارید و هرگاه با شما رو برو شوند، گویند: «ایمان آورده‌ایم» و زمانی که تنها شوند از خشم شما سر انگشتان خویش را با دندان می‌گزند. بگو: اگر خیری به شما برسد ایشان را غمگین می‌کند و اگر شری به شما برسد به آن شاد می‌شوند و اگر صبر پیشه کنید و پارسایی ورزید، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند. قطعاً خداوند به آن چه انجام می‌دهند احاطه دارد (آل عمران: ۱۱۸ - ۱۲۰)

در این آیات به وضوح ارتباط نهانی با کفار حربی، و مشرکان جنگ افروز، نهی شده و خوش باوری مسلمین نقطه آسیب‌پذیری آنان اعلام شده است.

خداوند متعال بر تحلیل آن گروه از مسلمانان که عزت، اقتدار و سربلندی خود (تأمین منافع ملی و حل مشکلات خود) را از راه پیوند پررنگ‌تر با کافران جست و جو می‌کنند، خط بطلان کشیده، و تمامی عزت و اقتدار مسلمین را در گروه پیوند با خدا می‌داند، خداوند متعال می‌فرماید:

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء: ۱۳۹).

همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند، آیا عزت و آبرو را نزد آنان می‌جویند با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟ (نساء: ۱۳۹).

## اصل عزت مداری و نفی سبیل

یکی از مهمترین اصول اقتصاد مقاومتی اصل نفی سبیل و عزت مداری است.

این اصل بر گرفته از آن ایه قرآن مجید است که می فرماید :

« ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا .» (نساء: ۱۴۱)

هرگز خداوند راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است.

سبیل در لغت به معنای « راه » و طریق است اما در اصطلاح به معنای شریعت و قانون می باشد. منظور از سبیل در این جا همان معنای اصطلاحی است (سید محمد موسوی بجنوردی، ص ۳۵۰). واژه ی «نفی» نیز در این جا به معنای بسته شدن می باشد. سبیل نکره در سیاق نفی است و نکره در سیاق نفی مفید عموم است؛ بنا بر این معنای نفی سبیل کافران بر مسلمانان، این است که خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان را باز نگذاشته است و هر گونه راه تسلط بر مسلمانان را بر آن ها بسته است؛ به این ترتیب کافران در هیچ زمینه ای شرعاً نمی توانند بر مسلمانان مسلط شوند. (ابوالفضل شکوری، ص ۳۲۶)

نفی سبیل از قواعد ثانویه فقهی است چنان که می دانیم در فقه اسلامی دو نوع قواعد وجود دارد : قواعد اولیه و قواعد ثانویه. قواعد ثانویه همان قواعد حاکم فقهی هستند و بر دیگر مسائل و قواعد فقهی حکومت دارند. ( سید محمد موسوی بجنوردی، ص ۳۵۰)

بر اساس این اصل وقاعده ، راه هرگونه نفوذ و سلطه ی کفار بر جوامع اسلامی در حوزه های مختلف سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود گردد. عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع استشاره و مشورت در حوزه های فرهنگی و نظامی در روابط خارجی مورد توجه است. بنا بر این اصل نفی سبیل، بیانگر جنبه ی ایجابی و سلبی است که جنبه ی سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ی ایجابی آن بیانگر وظیفه ی دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه های وابستگی است.



پیامبر گرامی اسلام (ص) در تمام عرصه های زندگی اجتماعی خویش به ویژه در روابط خارجی به این اصل مهم و اساسی توجه جدی می نمود و آن را به عنوان یک مبنا و پایه در روابط خارجی در نظر می گرفت.

سیره ی عملی و قولی پیامبر اکرم (ص) بارزترین گواه بر این مدعاست. از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه. (شیخ طوسی، ج ۲ ص ۴۶)

اسلام همیشه بر دیگر مکاتب و ملل برتری دارد و هیچ چیزی بر اسلام برتری ندارد.

از این حدیث به خوبی برمی آید که آن حضرت هیچگاه راضی به سلطه ی کفار بر مسلمانان نبود و تسلط غیرمسلمان را بر مسلمان در هیچ عرصه ی نمی پذیرفت.

در اندیشه اقتصاد اسلامی یکی از مهمترین عوامل تحقق عزت برای مسلمین استغناء و تأمین نیازهای اساسی آنان معرفی شده است امام صادق (ع) در حدیثی عزت مؤمن را در بی نیازی او از سایر مردم معرفی می نماید.

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ (ثقة الاسلام کلینی، ج ۲ ص ۱۴۹)

شرافت مومن در گرو نماز شب و عزت او در گرو بی نیازی از مردم است.

بر اساس آموزه های اسلامی افراد باید تلاش کنند که بی نیاز از دیگران شوند و دولت اسلامی نیز در جهت تأمین نیازهای اساسی آنها اقدام کند. هرگونه فعالیت اقتصادی باید به دور از هرگونه احساس ذلتی باشد و لذا امیر المؤمنین در نامه به مالک اشتر او را از منت گذاردن بر سر رعیت بر حذر می دارند، زیرا عزت مسلمین خدشه دار می شود.

و ایاک و المن علی رعیتک بإحسانک (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

تو را بر حذر می دارم از اینکه بر مردم به خاطرت احسانت منت گذاری

سیره امامان معصوم در صدقه دادن پنهانی بهترین گواه بر این مدعا است (محمد رضا حکیمی، ج ۲، ص: ۷۶۲).

بی شک این رفتار اقتصادی که از سوی احسان و کمک به دیگران است و از سوی دیگر عزت نیازمند را خدشه دار نمی کند، یکی از مصادیق بارز زیبایی های معنوی است.

در بعد کلان نیز باید کشور استقلال اقتصادی داشته باشد تا همواره عزت اقتصادی اش حفظ شود. در صورت وابستگی گسترده اقتصاد یک کشور به دیگر کشورها، عملاً یک بردگی و اسارت در اقتصاد کشور وابسته بوجود می آید. در حالیکه کشور اسلام همواره باید برتر از سایر کشورها باشد و در هیچ عرصه ای نباید طعم تلخ ذلت و حقارت را بچشد.

در روایات اسلامی از قناعت به عنوان وسیله عزت<sup>۲</sup> و بی‌نیازی<sup>۳</sup> و گنج فناپذیر<sup>۴</sup> یاد شده است و در نقطه مقابل، اسراف و تبذیر و مصرف‌گرایی، وسیله شکست<sup>۵</sup> و ذلت معرفی شده است.

امام خمینی رحمه‌الله منادی عزت و استقلال، گاه از برخی کشورها یاد می‌کرد که این روحیه قناعت و صرفه‌جویی، آنان را واداشته تا حداکثر استفاده را از امکانات موجود خود بنمایند و بسیاری از مردم جهان را نیازمند مصنوعات خود سازند (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۷). امام راحل با حساسیت نسبت به موضوع می‌فرمود: «مردم در سر دو راهی عزت و ذلت قرار داشته و باید تصمیم بگیرند: یا رفاه و مصرف‌گرایی یا تحمل سختی و استقلال». (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۹۸)

از همین روست که امام کاظم (ع) می‌فرماید:

فمن عقل قنع بما یکفیه. و من قنع بما یکفیه استغنی. و من لم یقنع بما یکفیه لم یدرک الغنی أبداً (بحرانی، ۲۸۶)

«... هر کس عاقل باشد به آنچه او را بسنده است قناعت می‌کند. و هر کس به آنچه او را بسنده است قناعت کند بی‌نیاز است. و هر کس چنین نباشد، هرگز به بی‌نیازی دست نیابد.» و اینگونه آرمان اختصاص عزت به مؤمنان تحقق می‌یابد. بی‌تردید حقارت و وابستگی، یک پدیده زشت معنوی است که هر فطرت سلیمی از آن متنفر است

---

<sup>۲</sup> الامام علی «ع»: «القناعة عز» آمدی تمیمی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ۱۳۶۶، ص ۶۸۹

<sup>۳</sup> الإمام علی «ع»: «الغنی من استغنی بالقناعة». آمدی تمیمی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ۱۳۶۶، ص ۲۸

<sup>۴</sup> الإمام علی «ع»: «لا کنز أغنی من القناعة». «نهج البلاغه» / ۱۲۶۰: «عبده» ۳ / ۲۴۲.

<sup>۵</sup> وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ «سوره انبیا» (۲۱): ۹.

بر همین اساس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است، هر گونه قراردادی را که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود، ممنوع اعلام می‌کند. (اصل ۱۵۳) همچنین در فصل چهارم قانون اساسی که مربوط به اقتصاد و امور مالی است، یکی از ضوابط جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از سلطه بیگانگان بر اقتصاد کشور بیان شده است. (اصل ۴۳ ف بند ۸) به طور کلی، یکی از اصولی که توجه به آن در روابط خارجی دولت اسلامی ضرورت دارد، حفظ استقلال و عزت مسلمانان در روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی است.

### اصل حمایت از مظلومین

حمایت از مظلومین عالم، از جمله اصول اساسی اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی است.

از نظر نصوص دینی نیز در کتاب و سنت، دلیل های محکمی وجود دارد که «نصرت مظلوم»، یک تکلیف الزامی است و نباید آن را در حد یک توصیه ی اخلاقی، تلقی کرد، قرآن کریم حتی جنگیدن و کشته دادن برای نجات مظلومان که فریاد استغاثه دارند را واجب می‌داند و بر ترک این وظیفه، توبیخ می‌کند:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء: ۷۵)

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یابوری برای ما تعیین فرما! (نساء: ۷۵)

همچنین قرآن تأکید می‌کند:

«وَلَمَنْ اتَّصَرَ بِعَدُوِّهِ ظَلَمَهُ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ.» (شوری: ۴۱)

: کسی که پس از ستم دیدن، کمک می‌خواهد، نباید او را از این کار بازداشت.

از پیامبر اکرم(ص) نیز «روایت معتبری» در منابع حدیثی وجود دارد که «بی اعتنائی» به فریاد استغاثه دیگری را با «مسلمان بودن» ناسازگار می داند. امام صادق (ع) از رسول خدا نقل می کند که فرمود:

«من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم» (ثقة الاسلام کلینی، ج ۲ ص ۱۶۴)

هر کس ندای استغاثه و طلب دیگری را بشنود و به او پاسخ ندهد، مسلمان نیست.

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید:

فإن الله سمیع دعوہ المضطهدین وَ هُوَ لِلظَّالِمِینَ بِالْمِرْصَادِ (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

خدا دعای ستمدیدگان را می شنود و در کمین ستمکاران است

رویکردی که حکومت اسلامی به وضعیت اقتصادی سایر کشورها دارد با الهام از این جمله امیرالمؤمنین(ع) شکل می گیرد. بر مبنای همین تفکر، مظلوم و ستمدیده را محبوب مسلمانان است و ایشان به استمدادش می شتابد و بر ستمکار می تازد.

نگاهی گذرا به فرازهای مختلف نهج البلاغه نشان می دهد که یاری مظلوم یکی از اصول موکد ایشان و یکی از مهمترین دغدغه های امیرالمؤمنین(ع) بوده است. ایشان در آخرین فرمایشات زندگی خویش به حسنین(ع) وصیت می کنند:

کونا للظالم خصما و للمظلوم عوناً(نهج البلاغه خطبه ۴۷)

دشمن ستمگر و یاور مظلوم باشید

از همین روست که در جای دیگری می فرمایند: «ذلیل ترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بازگردانم و نیرومند در نزد من پست و ناتوان است تا حق را از او بازستانم»(همان: خطبه ۶۷)

در فرازی دیگر امیرالمؤمنین(ع) صریحاً شیعیان را به حمایت از مظلوم توصیه کرده و در تکمیل دو فراز قبلی می فرمایند: «حق را بگوئید و برای پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید»(همان: نامه ۶۷). با توجه به فرمایش حضرت امیر(ع) از آنجایی که خداوند متعال که قدرت مطلق است شنونده صدای مظلوم است و در کمین ستمکار است، پیروزی نهایی با مظلومان و مستضعفان خواهد بود و برای ظالمان جز

خسران و شکست باقی نمی ماند<sup>۶</sup> به قول امام خمینی (ره): «اگر تاریخ ظلمه و ستم‌پدگان دنیا را مطالعه کنید می بینید که غلبه همیشه با مظلوم است» (صحیفه امام ج ۲ ص ۴۱۳).

مبنای اندیشه متعالی امام راحل (ره) و اعتقاد ما در خصوص کمک به کشورهای مظلوم همچون فلسطین، عراق، افغانستان و ... بر همین مبناست. برای مسلمان همین چند فراز کافی است تا یاری مظلوم را بر خود فرض بدانند و یکی از مطالبات خود از نظام‌های اسلامی را بر همین اساس تعریف کنند.

جمهوری اسلامی ایران که نمونه‌ای از دولت اسلامی به شمار می‌رود، براساس احترام متقابل با تمام کشورهای جهان رابطه دارد. به همین دلیل، به دنبال سلطه یافتن بر دیگر سایر دولت‌ها نیست و سلطه‌گری و زورگویی را از هیچ قدرتی نمی‌پذیرد. (علی دادستان بیرکی، ص ۱۹ - ۲۲) امام خمینی (ره) این اصل را در روابط خارجی دولت اسلامی چنین تبیین فرموده است: تمام کشورها اگر احترام ما را حفظ کنند، ما هم احترام متقابل را حفظ خواهیم کرد و اگر دولت‌ها و کشورها بخواهند به ما تحمیلی بکنند، از آن‌ها قبول نخواهیم کرد. نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم. (امام خمینی، 1378، ج ۴، ص ۳۳۸)

در فصل سیاست خارجی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال که پی‌آمد نفی سلطه‌پذیری است، از اصول سیاست خارجی شمرده شده است. (اصل 152)

#### اصل استقامت در راه آرمانهای الهی

یکی دیگر از اصول اقتصاد مقاومتی اصل استقامت و تحمل سختیهای اقتصادی در راه آرمانهای الهی است. خداوند متعال در قرآن کریم بارها و بارها مومنین را به استقامت در مقابل کافران و دشمنان اسلام فراخوانده و پشتیبانی و برکت خود را متوقف بر این استقامت دانسته است.

فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتِ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (هود/۱۱۲)

پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده‌اند (باید

استقامت کنند)؛ و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند

و در جای دیگر می‌فرماید:

<sup>۶</sup> وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسراء: ۸۴)

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (توبة/ ۱۱۷)

مسلمانان خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود؛ بعد از آنکه نزدیک بود دل‌های گروهی از آنها، از حق منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است!

صفحات تاریخ بشریت، گواهی می‌دهد که نیرومندترین عامل برای استقامت و پایداری اقلیت‌ها در برابر اراده اکثریت؛ همان نیروی ایمان و اعتقاد است که گاهی با ریختن آخرین قطره خون، نقش پایداری را ایفا می‌کنند. ما برای این گفتار، صدها گواه و شاهد در اختیار داریم. اوج این استقامت را می‌توان در محاصره اقتصادی مسلمانان در سال‌های قبل از هجرت در شعب ابی طالب دید. هنگامی که سران قریش، از نفوذ پیشرفت حیرت‌انگیز آیین یکتاپرستی، سخت ناراحت بودند و در فکر چاره و راه حلی بودند. به این نتیجه رسیدند که به وسیله «محاصره اقتصادی»، که نتیجه آن بریدن رگ‌های حیاتی مسلمانان بود، از نفوذ و پخش اسلام بکاهند؛ و پایه‌گذار و هواداران آیین خداپرستی را در میان این حصار، خفه سازند.

این محاصره سه سال تمام طول کشید، فشار و سختگیری به حد عجیبی رسید. ناله جگرخراش فرزندان «بنی هاشم» به گوش سنگ‌دلان «مکه» می‌رسید؛ ولی در دل مشرکین مکه چندان تأثیر نمی‌کرد. جوانان و مردان، با خوردن یک دانه خرما در شبانه‌روز زندگی می‌کردند. گاهی یک دانه خرما را دو نیم می‌کردند. در تمام این سه سال، فقط در ماه‌های حرام (که امنیت کامل در سرتاسر شبه جزیره حکم‌فرما بود) بنی هاشم از شعب بیرون آمده و به دادوستد مختصری اشتغال می‌ورزیدند سپس به داخل دره رهسپار می‌شدند. پیامبر گرامی نیز، فقط در همین ماه‌ها توفیق نشر و پخش آیین خود را داشت. ایادی و عمال سران قریش، در همین ماه‌ها وسیله آزار و فشار اقتصادی آن‌ها را به گونه‌ای فراهم می‌آوردند. زیرا غالباً بر سر بساطها و فروشگاه‌ها حاضر می‌شدند، و هر موقع مسلمان‌ها می‌خواستند که چیزی را بخرند، فوراً به قیمت گران‌تری آن را می‌خریدند و از این راه قدرت خرید را از مسلمانان سلب می‌نمودند.

فشار گرسنگی به حدی رسیده بود که «سعد وقاص» می‌گوید: شبی از میان دره بیرون آمدم، در حالی که نزدیک بود تمام قوا را از دست بدهم. ناگهان پوست خشکیده شتری را دیدم، آن را برداشتم و شستم و سوزاندم، و کوبیدم، و بعد با آب مختصری خمیری کرده و از این طریق سه روز بسر بردم. (آیت الله جعفر سبحانی، نرم افزار مسافر قبله، ۱۴۹-۱۵۵)

بی تردید این رشادتها و استقامتها بر اثر نیروی ایمان بود و سر انجام سبب جاودانگی ایشان با عزت در طول تاریخ شد.

### اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق

یک دیگر از اصول اقتصاد مقاومتی اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق است. در سیره پیامبر اکرم(ص) مشاهده می‌شود برای استیفاء حقوق مسلمانان، از ابزارمقابله به مثل در برابر مشرکین استفاده می‌کردند. در سال دوم هجرت کاروان تجاری بزرگی است که تمام اهل مکه در آن شرکت دارند به سمت شام حرکت می‌کرد. سرپرست کاروان «ابو سفیان»، و در حدود چهل نفر یاسبانی آن را بر عهده دارند. هزار شتر، مال التجاره را حمل می‌کند، و ارزش کالا حدود پنجاه هزار دینار است.

قریش کلیه دارائی مهاجران را در مکه ضبط کرده و به آنان اجازه رفت و آمد به محل زندگی نمی‌دادند و کلیه اموال منقول و غیر منقول آنان، در مکه متروک مانده بود. پیداست که هر انسان عاقل و خردمندی به خود اجازه می‌دهد با دشمن، همان معامله را انجام دهد که او با وی انجام داده است.

اصولاً باید توجه داشت که علت هجوم مسلمانان به کاروان قریش، همان مظلومیت و ستم‌کشی مسلمانان بود که قرآن نیز متذکر آن است و به همین جهت به آنان اجازه هجوم می‌دهد و می‌فرماید:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج: ۳۹)

«به افرادی که مورد هجوم واقع شده‌اند اجازه دفاع داده شد. زیرا آنان مظلوم و ستم‌دیده‌اند و خداوند به کمک و یاری آنان قادر و توانا است.»

اگر چه ابوسفیان با کاروان تجاری گریخت و مسلمانان هیچگاه اموال آن کاروان را مصادره نکردند ولی همین قضیه زمینه پیروزی مسلمانان در جنگ بدر شد. (همان، ص ۲۲۲)

### ترتیب اولویت اصول اقتصاد مقاومتی در صورت تزاخم و تقابل

در ذکر این نکته ضروری است که در مقام اجراء اصول، ممکن است خود آنها در تزاخم با یکدیگر باشند. وظیفه حکومت اسلامی در چنین مواردی اینست که با ملاحظه درجه اهمیت هر اصل، اهم را بر مهم ترجیح دهد. زیرا برخی اصول بر اصول دیگر حکومت دارند.

اصول برخورد محتاطانه و اصل استقامت در راستای اصل عزت مداری و نفی سبیل اند. در میان سایر اصول وجود ابطنه اقتصادی و اصل عزت مداری و نفی سبیل و اصل حمایت از مظلومین و اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق، اصل عزت مداری و نفی سبیل بر سایر اصول حکومت دارد یعنی هر چیزی که سبب علو و استیلاء کافر بر مسلمان شود منفی است و لذا اصل نفی سبیل بر ادله اولیه، حکومت واقعی دارد. بدین معنا که اگر اصول دیگر مثل اصل برقراری ارتباط یا اصل حمایت از مظلوم و حتی اصل مقابله به مثل موجب استیلاء کافر بر مسلمین شود به دلیل نفی سبیل، موضوع آن اصل از اعتبار ساقط می شود. (سعید جلیلی، ص ۵۸)

حضرت امام (ره) در مورد نفی سلطه سیاسی کافران فرموده اند: «بنابراین، اگر روابط سیاسی با دیگر دولت‌ها سبب سلطه آنها یا وابستگی سیاسی دولت اسلامی شود، برقراری چنین روابطی حرام است و حتی اگر معاهده‌ای منعقد شده باشد، باطل است. البته بطلان به خاطر خیانتی است که برخی سران دولت‌ها می‌کنند و گرنه اگر عقدی به صورت صحیح منعقد شده باشد، نمی‌توان حکم به بطلان آن داد» (امام خمینی (ره)، بی تا، ج ۱ ص ۴۸۶)

حضرت امام خمینی (ره) درباره روابط اقتصادی دولت اسلامی آورده است: «اگر در برقراری رابطه تجاری دولت اسلامی یا تجار، با بعضی از دولت‌ها یا تجار، بازار مسلمین و حیات اقتصادی آنها مورد تهدید باشد، ترک این روابط، واجب است و این تجارت، حرام است و بر رهبران دینی است که کالاهای آنها و تجارت با آنها را تحریم نمایند و بر امت اسلامی نیز تبعیت از علما واجب است» (همان، ص ۴۸۷) ایشان در این حکم، براساس



قاعده نفی سبیل، روابط تجاری را که مایه سلطه بیگانگان بر حیات اقتصادی مسلمانان شود، حرام می‌داند. از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) هر نوع رابطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی اگر موجب سلطه اجانب بر مسلمانان و کشورهای اسلامی شود، به دلیل این‌که استعمار را نیز در پی خواهد داشت، حرام است و باید از آن پرهیز کرد. (همان، ص ۴۸۶)

در تاریخ نیز نمونه‌هایی از استناد به اصل نفی سلطه کافران بر مسلمانان وجود دارد. یکی از آن موارد واقعه تاریخی تحریم تنباکو از سوی مرجع بزرگ شیعیان میرزای شیرازی. براساس قرارداد رژی، تجارت تنباکو ک در ایران قابل توجه بود، به انحصار این شرکت انگلیسی درمی‌آمد و علاوه بر سلطه اقتصادی انگلیس به مدت پنجاه سال، زمینه به سلطه سیاسی انگلیس نیز بر ایران فراهم می‌شد. با صدور حکم تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی و پیروی مردم از این مرجع، شاه قاجار مجبور شد این امتیاز را لغو کند. (سیدجلال‌الدین مدنی، بی تا، ج ۱، ص ۶۴ - ۷۶)

در مورد ترتیب اولویت سایر اصول نیز، با توجه به اینکه اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق و اصل حمایت از مظلومین، در راستای هدف عالی نظام اقتصادی اسلام یعنی عدالت محوری و عدالت گستری است، می‌توان گفت این دو اصل بر اصل وجود روابط اقتصادی مقدم است.

## جمع بندی و نتیجه گیری

بر اساس مطالب پیش گفته :

۱- الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می‌کند به گونه ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکا بر نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفاء کند.

- ۲- اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی عبارتند از اصل وجود روابط اقتصادی با خارج از کشور و التزام به قراردادها و پیمانها، اصل برخورد محتاطانه با غیر مسلمانان، اصل عزت مداری و نفی سبیل، اصل حمایت از مظلومین، اصل استقامت در راه آرمانهای الهی و اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق
- ۳- اصول اقتصاد مقاومتی همواره و در تمامی مراحل باید مورد لحاظ باشد و تعارض هر یک از استراتژی ها، تاکتیکها و یا دیگر اجزاء برنامه با اصل، موجب حذف آن خواهد شد
- ۴- اگر در مقام اجراء اصول، خود آنها در تزام با یکدیگر باشند. وظیفه حکومت اسلامی در چنین مواردی اینست که با ملاحظه درجه اهمیت هر اصل، اهم را بر مهم ترجیح دهد.
- ۵- در میان اصول اقتصاد مقاومتی اصل عزت مداری و نفی سبیل بر سایر اصول ترجیح دارد. پس از آن اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق و اصل حمایت از مظلومین به خاطر ماهیت عدالت محوری و عدالت گستری آنها، در رتبه های بعدی اولویت قرار دارند. اصول برخورد محتاطانه و استقامت در راه آرمانهای الهی در راستای تحقق اصول پیش گفته هستند.

## کتابنامه

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- امام خمینی (ره)، تحریر الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا
- ۴- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا
- ۵- امام خمینی (ره)، صحیفه امام، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۸
- ۶- بحرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۴ق
- ۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا، ۱۳۶۶
- ۸- جلیلی، سعید، سیاست خارجی پیامبر (ص)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴

- ۹- حکیمی، محمد رضا، الحياة با ترجمه احمد آرام، ۱۳۸۰
- ۱۰- دادستان بیرکی، علی، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۸۱
- ۱۱- سبحانی، آیت الله جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، نرم افزار مسافر قبله
- ۱۲- سبحانی، آیت الله جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵
- ۱۳- شکوری، ابو الفضل، فقه سیاسی اسلام، ویرایش دوم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی تا
- ۱۴- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ، ۱۳۸۷ هـ ق
- ۱۵- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافي (ط- الإسلامية)، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق
- ۱۶- مدنی، سیدجلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، انتشارات دفتر اسلامی. بی تا
- ۱۷- مطهری، شهید مرتضی، ولاءها و ولایتها، قم، صدرا، ۱۳۶۳
- ۱۸- موسوی، سید محمد، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران، مرکز باز شناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۴
- ۱۹- موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، قواعد فقهیه، تهران، مؤسسه عروج، ۱۴۰۱ ق